

عندنا اشرف الميرزا وسيد المحققين شارح موافقت مسكونه  
اشرف و بطلان و كلامهم في ذلك مطابقت الالحاد و الحول انتهى  
امام محمد الاسلام حتى تصحح في موده كخبر استقال ما بين بالذات  
ارغام حلول و اتحاد دست بجهنم تكوير کرده صبي را كه فائز بعهد عالم اند  
و همچنين تليفي كذا كن را كه طاق قابل بخرجا و حسنه و اين هر دو  
قول نفی و صحت موجود ميكنند و وجود كل صفت و مطلق و مبهم بدون  
يقين و تفيد قابل وجود است و بتاين در تحقق بيان مطلق و كل و مبهم  
جزئی و تود منصوص است كه وجود مستلزم شخص است بلكه بطور صحت  
تحقق عين شخص است و چون اين جماعه ضايعتالي را كل ميبرند  
يا مبهم يا مطلق كه نظير كلي است و در حكم استحي بايه كه خود را عا  
نمايند بصلطت كه معرفت مطلق در خبري دارونه بکل در صحت معرفت  
قابل تباین ذات حق جل شانزه از ذوات ممكنات و شكك  
كه وجوده تباین را منكر شده بعينه قابل كشته و ضايعتالي ميعه تا  
قل اغر الله اخذ و لينا افير الله تاروني اعبد ايها الجاهلون  
و شكك است كه از اين هر دو كلام اعجاز نظام وجود غير ظاهر كرد  
ولكن من لم يجعل الله لولا التي انقضى معرفه الله سبحانه  
با با خبر اليا اعبد الانبياء و الاملاك و لا نقل بالحلول و الاملاك

بالمع

و با هو اشرف منها هم تقم على ما هو من سلف و انه سبي نه عنتم  
تميزه بالذات و مباین بالذات عن العالم و كلام حضرت شيخ عبي  
بعا و قدس سره من عرف نفسه فقد عرف ربه اشارت بر  
نفی حلول و اتحاد و وحدت تجوی كه ملاحظه نموده اند باین اركان  
امام ميفرنا بديك جاي نفی ناطقه را بجز از ماده در ذوات خود هيچ  
فلا مكاني ميعالي خدايتالي را همچنين بايد دانست و چنانچه نفی  
نفس در بدن موقوف بر حلول و اتحاد است خدايتالي را بجز از  
حلول و اتحاد منزله بايد دانست و چنانچه نفس ناطقه مباین و تميز  
بالذات است از بدن خدايتالي را بجز مباین و تميز بالذات  
از عالم بايد دانست بلكه بجز در نفس ناطقه را بجز در حق جل شانزه  
جهت به و همچنين نفی از ايات صرف حضرت حق تعالي چه مناسبت  
بلكه نسبت خلق با حضرت حق جل شانزه نسبت مقيد با مطلق با  
چنانچه جهت منصرفه ميكو نيزي بايد كه دهری عارف و صوتي كامل با  
بانش آنكه موجودات خاصه چنانچه قيرودار و وجود مطلق نيز  
در ضمن آن تحقق دارد و دهری انكار اين نميكنند و گنيتواند كه در  
مطلق ناسبت مقيد است و چون اجزای عالم بدون وجود مطلق  
موجود نميتواند شد لاجرم محتاجي آن خواهد بود و چون كذا

Copyrighting Sharif University